

غُرَش در جنگل!

مواضع پان‌دولی ترامپ نسبت به ایران از منتهی‌الیه خصومت و قلدری و جنگ‌طلبی تا آغوش گشائی و گشاده‌روئی جهت مذاکره و بهبود رابطه با تهران، موید زوال تصمیم‌گیری ناشی از افول «قدرت و مهارت» ابرقدرتی است که زمانی کمترین ترشروئی‌اش، انگاره غرش شیری در جنگل را تداعی می‌کرد که به درنگی «جنگلیان» را در پروای قهاریت و قاهریت «سلطان» به صرافت خاکساری و چاکرسلاری می‌انداخت و اکنون «سلطان دیروز» بی‌حرمانه خود را در تله «فراست و تدبیر» و «چابکی و چالاکی» حریفی تازه نفس، نالان و ناتوان می‌بیند.

غرش در جنگل یا «the Rumble in the Jungle» گزاره‌ای بود که اکتبر ۱۹۷۴ و بعد از مسابقه بوکس سنگین‌وزن جهان بین محمدعلی کلی و جورج فورمن فضای رسانه‌ای آمریکا را تسخیر کرد و علاقه‌مندان به ورزش بوکس را مفتون هنرنمایی زیرکانه «کلی» در مصاف با «فورمن شکست‌ناپذیر» کرد.

محمدعلی در آن مسابقه ضمن تطفن به «قدرتمندی ناچالاکانه فورمن» و علیرغم اشتهارش به رقص‌پائی زیبا لیکن در رقابت مزبور بجای مشت‌های فولادین، فورمن را مقهور تدبیر خود کرد و عامدانه طی ۸ راند تنها در گوشه‌ای از رینگ گارد دفاعی گرفت و با جاخالی‌هایی بموقع فورمن را آزاد گذاشت تا هر اندازه می‌تواند با کوبش مشت‌های سنگین خود به گارد بسته‌اش انرژی خود را از دست داده و در میانه راند هشتم بود که «کلی» در بهترین فرصت مقتضی و در اوج بى‌رمقى تحمیلی به فورمن ناغافل آن غول شکست‌ناپذیر رینگ را با مشتی مهیب و سنگین نقش بر زمین و «ناک‌اوت» کرد!

ترفندی که اینک ایران نیز حاذقانه آن را در مصاف با ترامپ بکار گرفته و ضمن بی‌وقعی به هم‌آوردخواهی کاخ سفید موفق شده آمریکائیان را در زمین سیاست و نظامیگری مبتلا به یک‌ه‌ایپراکتیوی مشغوفانه کند تا از قبال آن «خویش‌شیدائی» انرژی ترامپ و مردانش را تخلیه و بزنگاه فراغ برای پایان شکست‌ناپذیری واشنگتن را بسترسازی کند.



راند هشتم تهران و واشنگتن برخلاف رویکرد قلدرانه آمریکائی‌ها، راند تدبیر است. تدبیری که قبل از بازوانی فولادین، مردانی فهیم را می‌طلبد.

فراستی که ایرانیان بدان شهره‌اند و با همان ترفند «تهمت» شاهنامه‌شان در مصاف با «اکوان دیو» آنگونه آن پلشتی را فریفت و سر بُرید که:

به دریا نباید که اندازیم، کفن سینه ماهیان سازیم
به کوهم بیاندار تا ببر و شیر، ببینند چنگال مرد دلیر

#داریوش سجادی